



# آخرین انقلاب، انقلابی آخر دو یک‌کردی تطبیقی بر اندیشه مهدویت

فرح رامین



مرکز بین‌المللی  
ترجمه و نشر  
المصطفی

## سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) می‌باشد.

«جامعة المصطفیٰ علیه السلام العالمیة» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ علیه السلام» را تأسیس کرده است.

اثر حاضر با عنوان **آخرین انقلاب، انقلابی آخر (رویکردی تطبیقی بر اندیشه مهدویت)** حاصل پژوهش سرکار خانم **فرح رامین**، کوششی است در به ثمر رساندن گوشه‌ای از این اهداف متعالی.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ علیه السلام

## فهرست مطالب

|   |    |
|---|----|
| مقدمه مؤلف  | ۱۳ |
| فصل اول: انقلاب مهدوی و انقلاب‌های معاصر  | ۲۳ |
| ۱. مفهوم انقلاب   | ۲۴ |
| ۲. ویژگی‌های انقلاب مهدوی   | ۲۷ |
| ۱.۲. انقلاب مهدوی، حرکتی سریع و مردمی   | ۲۷ |
| ۲.۲. انقلاب مهدوی، همراه با خشونت   | ۲۷ |
| ۳.۲. انقلاب مهدوی، در جهت تغییر ارزش‌ها و ساختارها                                | ۳۱ |
| ۳. ارکان وقوع انقلاب  | ۳۱ |
| ۱.۳. مردم   | ۳۳ |
| ۱.۱.۳. ایجاد نارضایتی عمومی پیش از وقوع انقلاب براساس دیدگاه نظریه پردازان انقلاب | ۳۶ |
| ۱.۱.۱.۳. مارکس  | ۳۸ |
| ۲.۱.۱.۳. الکسی دو توکویل  | ۳۸ |
| ۳.۱.۱.۳. جیمز دیویس   | ۳۹ |
| ۲.۱.۳. ایجاد نارضایتی عمومی پیش از انقلاب مهدوی                                   | ۴۰ |
| ۲.۳. رهبری  | ۴۶ |
| ۱.۲.۳. ویژگی‌های رهبری در انقلاب مهدوی  | ۴۹ |
| ۲.۲.۳. نقش امام خمینی <small>علیه السلام</small> در رهبری انقلاب اسلامی           | ۵۱ |

|         |  |
|---------|--|
| ۵۶..... | ۳.۳. ایدئولوژی.....                                      |
| ۶۰..... | سیره تربیتی و اخلاقی.....                                |
| ۶۱..... | سیره اجتماعی.....  |
| ۶۱..... | سیره سیاسی.....  |
| ۶۱..... | سیره مدیریتی.....  |
| ۶۲..... | سیره اقتصادی.....  |
| ۶۲..... | سیره علمی.....   |
| ۶۳..... | <b>فصل دوم: انسان کامل عرفا و ابرانسان نیچه</b>          |
| ۶۴..... | ۱. نیچه.....   |
| ۷۲..... | ۱.۱. کیستی ابرانسان نیچه.....                            |
| ۷۶..... | ۲.۱. چیستی ابرانسان نیچه.....                            |
| ۷۶..... | ۱.۲.۱. مظهر میل به قدرت.....                             |
| ۷۷..... | ۲.۲.۱. فراخواننده ارزش های مادی.....                     |
| ۷۸..... | ۳.۲.۱. جانشین خدا.....                                   |
| ۸۰..... | ۳.۱. چرایی وجود ابرانسان نیچه.....                       |
| ۸۱..... | ۲. رابطه ابرانسان نیچه با انسان کامل از دیدگاه عرفا..... |
| ۸۵..... | ۱.۲. کیستی انسان کامل.....                               |
| ۸۹..... | ۲.۲. چیستی و چرایی وجود انسان کامل.....                  |
| ۸۹..... | ۱.۲.۲. هدف خلقت.....                                     |
| ۹۰..... | ۲.۲.۲. روح عالم.....                                     |
| ۹۱..... | ۳.۲.۲. حافظ عالم.....                                    |
| ۹۲..... | ۴.۲.۲. خلیفه الهی.....                                   |
| ۹۳..... | ۵.۲.۲. واسطه بین حق و خلق.....                           |
| ۹۳..... | ۶.۲.۲. دلیل بر وجود حق.....                              |
| ۹۳..... | ۷.۲.۲. دارای قول و فعل و اخلاق نیک و معارف.....          |

|     |   |
|-----|---|
| ۹۴  | ..... ۲.۲.۸. دارای علم لدنی   |
| ۹۵  | ..... ۲.۲.۹. دارای قدرت   |
| ۹۵  | ..... ۲.۲.۱۰. دوری از مظاهر دنیا و دعوت‌کننده به یگانگی خداوند و آخرت |
| ۹۹  | ..... فصل سوم: دموکراسی و مردم‌سالاری مهدوی                           |
| ۱۰۳ | ..... ۱. چیستی دموکراسی   |
| ۱۰۶ | ..... ۲. دموکراسی به مثابه یک روش                                     |
| ۱۰۹ | ..... ۳. ارکان دموکراسی   |
| ۱۰۹ | ..... ۳.۱. عقلانیت  |
| ۱۰۹ | ..... ۳.۲. انسان‌مداری (اومانیزم)                                     |
| ۱۱۰ | ..... ۳.۳. تکثرگرایی (پلورالیسم)                                      |
| ۱۱۱ | ..... ۴. اسلام و دموکراسی   |
| ۱۱۵ | ..... ۴.۱. پیش‌انگاره‌های حکومت مهدوی                                 |
| ۱۱۷ | ..... ۴.۲. نقش مردم در حکومت مهدوی                                    |
| ۱۱۹ | ..... ۴.۲.۱. مقبولیت (پذیرش مردم)                                     |
| ۱۲۷ | ..... ۴.۲.۲. بیعت   |
| ۱۳۱ | ..... ۴.۲.۳. مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها                             |
| ۱۳۵ | ..... ۴.۲.۴. نظارت مردم بر حکومت                                      |
| ۱۴۱ | ..... فصل چهارم: مهدویت و اخلاق جنگ و صلح                             |
| ۱۴۵ | ..... ۱. غرب و اخلاق جنگ و صلح  |
| ۱۴۵ | ..... ۱.۱. تئوری جنگ مشروع  |
| ۱۴۶ | ..... ۱.۱.۱. حقوق جنگ   |
| ۱۴۹ | ..... ۲.۱.۱. حقوق در جنگ  |
| ۱۵۱ | ..... ۲.۱. تئوری صلح‌طلبی   |
| ۱۵۳ | ..... ۳.۱. تئوری واقع‌گرایی سیاسی                                     |
| ۱۵۵ | ..... ۴.۱. تئوری بین‌المللی شدن                                       |

|     |  |
|-----|--|
| ۱۵۷ | ۵.۱. تئوری جهان وطنی.....  |
| ۱۵۸ | ۱.۵.۱. مبانی اخلاقی تئوری جهان وطنی.....                           |
| ۱۶۱ | ۲.۵.۱. مبانی سیاسی تئوری جهانی وطنی.....                           |
| ۱۶۵ | ۳.۵.۱. نظریه جهان وطنی و جنگ.....                                  |
| ۱۶۷ | ۲. اخلاق جنگ و صلح در اسلام.....                                   |
| ۱۷۸ | ۱.۲. لزوم اخلاص در جنگ.....  |
| ۱۸۰ | ۲.۲. محدودیت زمان جنگ در اسلام.....                                |
| ۱۸۰ | ۳.۲. ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی.....                      |
| ۱۸۱ | ۴.۲. مصونیت غیرنظامی‌ها.....                                       |
| ۱۸۲ | ۵.۲. خوش رفتاری با اسیران و نهی از شکنجه و کشتن آنها.....          |
| ۱۸۲ | ۳. جنگ در عصر مهدویت.....  |
| ۱۹۱ | فصل پنجم: ساختار معرفت در فرهنگ اتوپیای مور و آرمان شهر مهدوی..... |
| ۱۹۲ | ۱. تامس مور و اتوپیا اندیشی.....                                   |
| ۱۹۴ | ۲. مفهوم شناسی.....  |
| ۱۹۵ | ۱.۲. اتوپیا.....   |
| ۱۹۶ | ۲.۲. فرهنگ.....  |
| ۱۹۸ | ۳.۲. تعریف مختار.....  |
| ۱۹۹ | ۳. پیشینه اتوپیا اندیشی.....                                       |
| ۲۰۳ | ۴. ساختار معرفتی اتوپیای مور.....                                  |
| ۲۰۳ | ۱.۴. اومانیزم و عقلانیت ابزاری.....                                |
| ۲۰۵ | ۲.۴. خدامحوری و دین‌مداری.....                                     |
| ۲۰۶ | ۳.۴. پلورالیسم معرفتی و دینی.....                                  |
| ۲۰۸ | ۴.۴. علم‌مداری.....  |
| ۲۱۰ | ۵.۴. عدالت محوری.....  |
| ۲۱۲ | ۵. آرمان شهر مهدوی.....  |

|  |     |
|--|-----|
| ۶. ساختار معرفتی آرمان شهر مهدوی.....  | ۲۱۴ |
| ۱.۶. خدامحوری و توحیدمداری.....  | ۲۱۵ |
| ۲.۶. انسان شناسی.....  | ۲۱۷ |
| ۳.۶. وحدت حقیقی ادیان.....   | ۲۱۹ |
| ۴.۶. عقلانیت دینی.....   | ۲۲۲ |
| ۵.۶. توسعه و گسترش علوم.....   | ۲۲۶ |
| ۶.۶. عدالت مهدوی.....  | ۲۳۰ |
| ۷. نقد کلی ساختار معرفتی اتوپایای مور.....   | ۲۳۴ |
| فصل ششم: هنر؛ تنها راه نجات (موعودگرایی در فلسفه هنرهایدگر).....   | ۲۳۹ |
| ۱. رساله «سرآغاز اثر هنری».....  | ۲۴۴ |
| ۱.۱. دور هرمنوتیکی.....  | ۲۴۵ |
| ۲.۱. اثر هنری.....   | ۲۴۷ |
| الف) شیء، جوهر و حامل اعراض و اوصاف است (نظریه جوهر و<br>عرض).....   | ۲۴۷ |
| ب) شیء کثرتی از انطباعات حسی است که از چیزی برای حواس<br>حاصل شده است (نظریه شیء به عنوان وحدت محسوسات)..... | ۲۴۸ |
| ج) شیء، ماده صورت یافته است (نظریه ماده و صورت).....   | ۲۴۸ |
| ۳.۱. چیستی هنر.....  | ۲۴۹ |
| ۴.۱. شعر.....  | ۲۵۵ |
| ۲. هنراز منظر تفکر اسلامی با روی کرد به اندیشه هایدگر.....   | ۲۵۶ |
| ۱.۲. چیستی هنر.....  | ۲۵۹ |
| ۲.۲. هستی شناسانه بودن مقوله هنر.....  | ۲۶۱ |
| ۳.۲. منشأ هنر.....   | ۲۶۵ |
| فصل هفتم: خانواده زمینه ساز ظهور و خانواده در مکاتب اخلاقی غرب.....  | ۲۷۳ |
| ۱. مفهوم شناسی و مبانی نظری.....   | ۲۷۶ |



|          |  |
|----------|--|
| ۲۷۶..... | ۱.۱ خانواده.....   |
| ۲۷۸..... | ۲.۱ اخلاق زمینه ساز.....   |
| ۲۷۸..... | ۱.۲.۱ اخلاق.....   |
| ۲۸۰..... | ۲.۲.۱ دین.....   |
| ۲۸۰..... | ۳.۲.۱ رابطه اخلاق با دین.....                                      |
| ۲۸۱..... | ۴.۲.۱ اخلاق اسلامی و اخلاق زمینه ساز.....                          |
| ۲۸۳..... | ۳.۱ اخلاق در حوزه خانواده.....                                     |
| ۲۸۵..... | ۲. اخلاق همسر داری.....  |
| ۲۸۵..... | ۱.۲ اخلاق ازدواج.....  |
| ۲۸۵..... | ۱.۱.۲ ازدواج در مکاتب اخلاقی غرب.....                              |
| ۲۹۳..... | ۲.۱.۲ اخلاق ازدواج در اسلام.....                                   |
| ۲۹۶..... | ۲.۲ اخلاق همسری.....   |
| ۲۹۶..... | ۱.۲.۲ محبت اساس اخلاق مسیحی.....                                   |
| ۲۹۸..... | ۲.۲.۲ اخلاق همسری در اسلام.....                                    |
| ۳۱۳..... | ۳. اخلاق در حوزه خانواده.....                                      |
| ۳۱۵..... | ۱.۳ اخلاق مدیریت.....  |
| ۳۱۸..... | ۱.۱.۳ عدالت.....   |
| ۳۲۰..... | ۲.۱.۳ صبر.....   |
| ۳۲۱..... | ۳.۱.۳ امید.....  |
| ۳۲۲..... | ۴.۱.۳ قاطعیت.....  |
| ۳۲۲..... | ۲.۳ اخلاق مادری.....   |
| ۳۲۵..... | ۳.۳ اخلاق تربیت.....   |
| ۳۳۱..... | فصل هشتم: نگاهی فلسفی بر رسانه و نقش آن در انتقال فرهنگ مهدوی..... |
| ۳۳۴..... | ۱. مفهوم شناسی و مبانی نظری.....                                   |
| ۳۳۴..... | ۱.۱ ارتباط.....  |

|     |   |
|-----|---|
| ۳۳۶ | ۲.۱. رسانه  |
| ۳۳۷ | ۳.۱. اقسام رسانه  |
| ۳۳۹ | ۴.۱. رسانه و فرهنگ مهدوی                                      |
| ۳۴۱ | ۲. نظریه‌های در باب تأثیر رسانه بر پیام دینی و ارزیابی آن‌ها  |
| ۳۴۲ | ۱.۲. روی‌کرد محتوامحور (معنامحور)                             |
| ۳۴۲ | ۱.۱.۲. بررسی روی‌کرد محتوامحور                                |
| ۳۴۳ | ۲.۲. روی‌کرد فناورمحور  |
| ۳۴۷ | ۱.۲.۲. بررسی روی‌کرد فناورمحور                                |
| ۳۴۸ | ۳. نظریه‌های در باب تأثیر رسانه بر مخاطب دینی و ارزیابی آن‌ها |
| ۳۴۹ | ۱.۳. نظریه تزریقی   |
| ۳۵۲ | ۱.۱.۳. بررسی نظریه تزریقی                                     |
| ۳۵۶ | ۲.۳. نظریه استحکام  |
| ۳۵۷ | ۱.۲.۳. بررسی نظریه استحکام                                    |
| ۳۵۸ | ۳.۳. نظریه اثرهای انباشتی                                     |
| ۳۵۹ | ۱.۳.۳. بررسی نظریه اثرهای انباشتی                             |
| ۳۶۰ | ۴. کارکردهای رسانه‌ها در ترویج فرهنگ مهدوی                    |
| ۳۶۲ | ۱.۴. کارکرد دانش‌افزایی                                       |
| ۳۶۳ | ۱.۱.۴. فرهنگ مهدوی و معرفت‌افزایی مستقیم رسانه                |
| ۳۶۵ | ۲.۱.۴. فرهنگ مهدوی و معرفت‌افزایی غیرمستقیم رسانه             |
| ۳۶۶ | ۲.۴. کارکرد شورآفرینی   |
| ۳۶۸ | ۳.۴. کارکرد حرکت‌زایی   |
| ۳۶۸ | ۱.۳.۴. همگن‌سازی  |
| ۳۷۰ | ۲.۳.۴. راهنمایی و رهبری                                       |
| ۳۷۰ | ۳.۳.۴. غفلت‌زدایی و تذکر                                      |
| ۳۷۱ | ۵. پیشنهادها  |
| ۳۷۳ | فهرست منابع و مآخذ  |

## مقدمه مؤلف

آدمی با پشت سر گذاشتن تمامی فراز و نشیب‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، روانی و تجربه ناکارآمدی و ناتوانایی انواع گوناگون انقلاب‌ها، حکومت‌ها و دولت‌ها و با بینش و آگاهی از قدر خویش و نقش اساسی خود در هستی، به ضرورت وجود نظامی توانمند و فراگیر می‌رسد و با ایجاد زمینه‌های مناسب، مقدمات انقلابی سترگ را فراهم می‌آورد؛ انقلابی که پایه‌های آخرین حکومت جهانی را پی می‌ریزد. حکومتی که تا پایان تاریخ ادامه می‌یابد (آخرین انقلاب)، به دنبال انقلابی به وقوع می‌پیوندد که با داشتن عناصر گران سنگ، رهبری و ایدئولوژی منحصر به فرد، عظیم‌ترین و بی‌سابقه‌ترین انقلاب تاریخ است. انقلاب مهدوی با ایجاد تحولاتی اساسی و همه‌جانبه در وضعیت فکری، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان، مرفی‌ترین اندیشه در زمینه حکومت و زمام‌داری را به نمایش می‌گذارد (انقلابی آخر). این انقلاب بزرگ جهانی همانند دیگر انقلاب‌های اجتماعی، برآیند و مبتنی بر وجود علل و شرایط مهمی است که نه تنها با شرایط عمومی انقلاب‌ها مطابقت می‌کند، بلکه به عنوان یک «فرا نظریه» بر مجموعه شرایط ویژه‌ای تکیه می‌زند تا «آخرین حکومت جهانی» را استوار است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

دولتنا آخر الدول ولم يبق اهل بيت لهم دولة الا ملكوا قبلنا... و هو قول  
الله عزوجل والعاقبة للمتقين.<sup>۱</sup>

در روایت شریف، تعبیر «آخرین دولت» علاوه بر این که مفهومی زمانی دارد، ممکن است در بردارنده مفهومی کیفی نیز باشد؛ یعنی حکومت مهدوی بهترین ساختار، ایدئولوژی و استراتژی را دارد. بنابراین هم از نظر زمانی و هم از نظر ساختار «آخرین» است.

لكل اناس دولة يرقبونها و دولتنا في آخر الدهر تظهر<sup>۲</sup>  
انقلاب مهدوی هم چون منشوری است با ابعاد مختلف و همین است که به عدد منظرها و روی کردهای آن (اعتقادی، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی، عرفانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و...) می توان از ضرورت های آن گفت و گو کرد. علیرغم دغدغه های معاصر و گرایش های فراوان به مطالعات در باب آینده پژوهی، پایان تاریخ، جهانی شدن و جهانی سازی و نیز شور و اشتیاق به پرداختن به مباحث منجی گرایی، توصیف وظایف منتظران، عصر غیبت و آرمان شهر مهدوی، مهدویت پژوهی در ابتدای راه قرار گرفته و به صورت مبسوط گسترش نیافته است و عرصه ها و ظرفیت های بسیار زیادی در این حیطه وجود دارد که باید مورد توجه جدی محققان و اندیش مندان قرار گیرد. در طول تاریخ اسلام و به خصوص شیعه، علما و دانش مندان بزرگ به تحقیق و مطالعه در باب مهدویت و مسائل مرتبط با آن پرداخته اند، اما این گونه مطالعات

۱. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، الغیبة (تهران: نینوا، ۱۳۸۵)، ص ۴۷۲.

۲. محمد بن علی بن حسین بابویه (شیخ صدوق)، الامالی (قم: بنیاد بعثت، ۱۴۱۷ق)، ص ۵۷۸.

بیش‌تر در حوزه مطالعات تاریخی - اجتماعی و قرآنی - روایی و در بافت تفکر شیعی صورت گرفته است. این تأملات و تحقیقات با روی کردی درونی به اندیشه مهدویت پرداخته‌اند. در نگاه درونی، مهدویت، آموزه و الگویی دینی - اعتقادی محسوب می‌شود که مسائل جزئی و تفضیلی آن در درون سنت دینی خاص بررسی می‌گردد. در نگاه درون‌دینی به این آموزه، محقق جزء‌نگر و نقل‌محور عمل می‌کند و به آن در مجموعه باورهای کلان دینی می‌نگرد.

برخلاف مطالعات درون‌دینی، روی کرد برون‌دینی هنوز در مراحل اولیه است. در نگاه بیرونی، نگرشی کلی و بنیادی به این حوزه مطالعاتی مهم صورت می‌گیرد و موعودگرایی در سطحی وسیع‌تر از حیطه دین یا تفکری خاص اهمیت می‌یابد که تنها شامل مدل و الگوی اعتقادی یک دین خاص نیست، بلکه پدیده‌ای فرادینی است که معطوف به آینده جهان است و با موضوعات مهمی چون آینده‌پژوهی، پایان تاریخ، دهکده جهانی و آرمان‌شهرگرایی پیوند می‌خورد. در سال‌های اخیر، این روی کرد مورد اقبال مهدویت‌پژوهان قرار گرفته است و این نوشتار نیز با چنین روی کردی به این مهم می‌پردازد و سعی دارد نوعی منجی‌گرایی فیلسوفانه را در تطبیق اندیشه مهدویت با برخی جریان‌های فکری - فلسفی ارائه دهد.

نگرش تطبیقی یکی از کارآمدترین روش‌های پژوهش در حوزه برون‌دینی است. البته در امکان یا صحت کاربرد این شیوه در برخی از شاخه‌های معرفت اختلاف نظر وجود دارد و اساساً کسانی که سیرتاریخ را خطی می‌دانند و نه دوری، معتقدند تطبیق امکان ندارد؛ زیرا هر نظام فکری

مربوط به شرایط زمانی و تاریخی خود است و هر یک در فضا و مکان تاریخی خاص خود رشد کرده و دو فرهنگ و دو جریان مختلف هستند که قابل مقایسه با یک دیگر نیستند. زیرا اگر آن‌ها را از زمان، مکان و فرهنگ خود جدا کنید بی معنا خواهند بود و مبانی و شیوه‌های آن‌ها با هم متفاوت است و به نتایج متفاوتی منجر می‌شوند و از این رو مقایسه امکان ندارد و یا بر فرض امکان صحیح نیست. در مقابل، متفکرانی هستند که معتقدند درست است که در علوم طبیعی نمی‌توان از تطبیق سخن گفت و هندسه یا فیزیک تطبیقی وجهی ندارد؛ اما در علوم انسانی، رویکرد تطبیقی ممکن است؛ به طور مثال ادبیات تطبیقی و یا فلسفه تطبیقی قابل تصور است. حال سوال این است که اصولاً آموزه‌های دینی چون مهدویت را می‌توان از نظام جامع یک دین جدا ساخت و با تفکرات فلسفی مقایسه کرد؟ افلاطون و سقراط در حدود هزار و ششصد سال پیش رویای تحقق آرمان‌شهر را در سر می‌پروراندند، آرمان‌شهری که در آن بهترین نظام‌ها و الگوهای سیاسی - اجتماعی تصویر می‌شد؛ ولی این تفکر فلسفی فرسنگ‌ها با مدینه فاضله مهدوی فاصله دارد و با ادبیات دینی که انسان کامل با ویژگی‌های معین و مشخص در تحقق چنین جامعه و شهری اقدام می‌کند، بسیار متفاوت است. اگر لازمه نگاه بیرونی به دین یا یکی از آموزه‌های آن، روش تطبیقی است و اگر ما معتقدیم در این حوزه امکان تطبیق وجود ندارد و یا بر فرض امکان صحیح نیست، چگونه می‌توانیم باب دیالوگ، گفت‌وگو و شناساندن اندیشه‌های دینی مان را بگشائیم و آموزه مهدویت را به عنوان یک فرانظریه به جهانیان عرضه کنیم؟

واقعیت آن است که در به کارگیری روش تطبیقی در مباحث مهدویت می‌توان قائل به تفکیک شد؛ یعنی از آن جا که در نگاه درون دینی آموزه‌های یک دین با یک دیگر انسجام درونی دارند، اندیشه مهدویت از سایر آموزه‌های دین اسلام جدا نیست و هر سنت دینی غالباً مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از آموزه‌ها و باورها را شامل می‌گردد. از این منظر به نظر می‌رسد مطالعات تطبیقی در این حیطة امکان ندارد و نمی‌توان موعود شیعی را با تفکر فلسفی یک فیلسوف غربی در دو کفه نهاد و با یک دیگر مقایسه کرد. اما در حوزه برون دینی نه تنها روش تطبیقی ممکن و صحیح، بلکه ضروری است و این تطبیق را می‌توان به روش‌های متفاوتی انجام داد:

#### ۱. تکیه بر اشتراک‌ها و شباهت‌ها و صرف نظر از تفاوت‌ها

ملاک تطبیق‌پذیری دو نظریه یا نظام فکری آن است که حداقل در ضلعی از اضلاع معرفتی با هم مماس باشند، هر چند که در بین آن‌ها در بنیانی‌ترین مبانی، اختلاف ماهوی وجود داشته باشد. بنابراین وجود مشترکات برای تطبیق دو یا چند امر با یک دیگر ضروری است. اما اگر مبنای تطبیق میان نظام‌ها یا آموزه‌های فکری تنها و تنها تشابهات باشد و اصولاً تطبیق را به معنای شناخت و یافتن شباهت‌ها لحاظ کنیم، متهم به سطحی‌نگری در پژوهش هستیم. درست است که در هر دوروی کرد تطبیقی باید موضوع یا موضوعات واحدی در دو یا چند نظام فکری وجود داشته باشند و این موضوعات مشترک از یک سنخ و یک مقوله باشند؛ اما گاه شاید برخی مفاهیم آن‌چنان با هم مغایرنند که تنها در حد اشتراک لفظ

مشابهت دارند و ساختار کلی، مبانی و روش‌ها، آن‌چنان متفاوت باشند که مقایسه‌هایی که تنها مبتنی بر این شباهت‌ها هستند، تطبیق‌هایی نادرست باشند. به نظر می‌رسد، در این‌گونه موارد اصولاً تطبیق توهمی بیش نیست.

## ۲. تکیه بر تفاوت‌ها و صرف نظر از مشابهت‌ها

از شرایط پژوهش تطبیقی آن است که تطبیق میان دو یا چند نظام فکری یا تفکری باشد که علاوه بر شباهت‌ها، افتراقاتی نیز با یک‌دیگر داشته باشند؛ اگر تفاوتی در کار نباشد، دوئیتی در کار نیست که مقایسه‌ای صورت گیرد. بنابراین تفاوت‌ها به همان اندازه اشتراک‌ها در ممکن ساختن کار تطبیقی ضروری‌اند. اما اگر ما به‌طور کلی از نقاط تماس و موضوع یا موضوع‌های مشترک چشم‌پوشی کنیم و تنها تفاوت‌ها را بزرگ‌نمایی کنیم باز هم تطبیق واقع نشده است. تکیه بر یافتن تفاوت‌ها و تمایزهای بین‌اموری که هیچ قرابتی با یک‌دیگر ندارند نه تنها فایده‌چندانی ندارد، بلکه نام تطبیق بر آن‌ها نهادن خطاست.

## ۳. اصل قرار دادن یک نظام فکری یا تفکری خاص و یافتن مشابهت‌ها و

### تفاوت‌ها

گاه در پژوهش‌های تطبیقی، با در نظر گرفتن اشتراک‌ها و تفاوت‌ها یک نظام فکری را اصل قرار می‌دهند و سعی می‌کنند که با فهم آن به‌عنوان تفکر نهایی و ایده‌آل به معیاری دست یابند که نظام یا نظام‌های فکری دیگر را براساس آن بسنجند. این روش به مثابه روی هم گذاشتن دو صفحه دارای دو شکل متفاوت است؛ دو اندیشه مجزا از هم



مانند دو تکه کاغذ جدا از هم خواهند بود که با اصل قرار دادن یکی، کاستی‌های دیگری را براساس آن تبیین می‌کنیم. در واقع در این روش غلبه یک نظام فکری را پذیرفته‌ایم و می‌خواهیم با این مقایسه نقص دیدگاه دیگر را به منظور تقویت نظام فکری مقابل، اثبات کنیم.

این روش مطالعه، مزایای خاص خود را دارد و حداقل شاید حقانیت نظام فکری پایه، برای پیروان و طرفداران آن تقویت گردد؛ اما به راستی تطبیقی نامیدن چنین روی کردی را به سختی می‌توان باور داشت. بهتر است چنین شیوه پژوهشی را جدل یا مناظره بنامیم. اگر تطبیق به عنوان روشی برای روی کردی برون دینی به یک آموزه به کار می‌رود، مخاطبان آن تنها پیروان آن اندیشه در درون سنت دینی خاص نیستند؛ بلکه مخاطبانی عام دارد که به دنبال تحری حقیقتند و در این صورت پژوهش‌گر با این شیوه متهم به اثبات چیزی می‌گردد که از پیش پذیرفته است و نوعی مصادره به مطلوب در استدلال‌های وی رخ می‌دهد. ماکس مولر - بنیان‌گذار دین‌پژوهی - می‌گوید:

به جای پیروی از متکلمان - که تنها می‌خواهند درستی دین خود و اشتباه ادیان دیگر را اثبات کنند - وقت آن رسیده که روی کردی کمتر طرفدارانه اتخاذ کنیم. روی کردی که عناصر، الگوها و اصولی را جستجو می‌کند که در ادیان همه زمان‌ها و مکان‌ها به طور یکسان یافت می‌شود.<sup>۱</sup>

---

۱. دنیل پالس، *هفت نظریه در باب دین*، محمد عزیز بختیاری (قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵)، ص ۲۲ - ۲۱.

#### ۴. توجه به مشابهت‌ها و تفاوت‌ها به‌طور هم‌زمان با برقراری گفت‌وگو و دیالوگ میان دو نظام فکری از طریق روش پدیدارشناسانه

در این روش سعی می‌شود با تطبیق نظام‌های فکری، به وحدت ذاتی‌ای که در پس آن‌ها نهفته است، دست یابیم و به یک چشم‌انداز کلی نظام‌مند برسیم. در واقع در این روش، تطبیق یعنی یافتن ذات و گوهر یک معنا که در صدف‌های مختلف قرار گرفته است. درست است که صدف‌ها در رساندن ما به گوهر سهم مهمی ایفا می‌کنند، اما محقق در رویکرد تطبیقی سعی دارد این ظاهر متفاوت را به کناری نهد و به‌کنه دست یابد. باید از صدف‌ها به گوهر رسید و سپس هم‌زبانی و دیالوگ بین دو نظام برقرار کرد و سرانجام به داوری نشست.

رویکرد تطبیقی پدیدارشناسانه به دین در آثار دین‌پژوهان برجسته معاصر چون میرچا الیاده، هانری کرین، رودلف اتو، فریدریک هیلر، اتین ژیلسون و آنه ماری شیمل وجود دارد. در شیوه پدیدارشناسی، محقق می‌کوشد تا با شناخت پدیده و تأثیرات و آثاری که آن پدیده می‌تواند برفرد و جامعه داشته باشد به کانون یک دین وارد شود و به درونی‌ترین امر مقدس هر دین دست یابد.<sup>۱</sup> در این نگاه به جای رد و اثبات یک تفکر یا نظام فکری که روشی استدلال‌گرایانه است و به جای سخن گفتن از صدق و کذب یک نظام، به این موضوع می‌پردازیم که در زوایای پنهان این تفکر چه قرابت و هم‌دلی با دیگر نظام فکری مفروض وجود دارد. روش پدیدارشناسانه، روشی است که در آن به قول هایدگر سعی می‌شود موقعیتی فراهم شود که خود

---

۱. آنه ماری شیمل، تبیین آیات خداوند: نگاهی پدیدارشناسانه به اسلام، عبدالرحیم گواهی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۳۶.

شی، خود را نشان دهد و با مفاهیم نارسا و مبهم در خفا و حجاب نیفتد. وقتی که یک مرد جنگلی، از جنگل صحبت می‌کند یا یک اهل کویر، از کویر صحبت می‌کند، باید پرسید آن جنگل و آن کویر برای آن‌ها چگونه پدیدار می‌شوند؛ نه این‌که ما به آن‌ها از ورای مفاهیم پیش ساخته شده بنگریم و هیچ تأویلی نکنیم.<sup>۱</sup>

ما در این اثر که حاصل مقاله‌های متعدد در طول سالیان گذشته می‌باشد، سعی داریم نمونه‌ها و الگوهایی را عرضه کنیم که چگونه می‌توان در عرصه برون‌دینی، نگاهی تطبیقی و پدیدارشناسانه به آموزه مهدویت داشت. در مقایسه بین اندیشه مهدویت شیعی با منجی‌گرایی فلسفی تفکر غرب، هدف این بوده است که مؤلفه‌های اصلی این پدیده خود را بنمایانند و این اندیشه «خودش» را به جهانیان نشان دهد یا «بگذارد» در معرض دید هر متفکر آزاداندیشی قرار گیرد. در این نمونه کارها و الگوها کوشیده‌ایم بدون آن‌که درباره صدق و کذب اندیشه غربی به داوری و قضاوت بنشینیم به توصیف آن پردازیم و با آن ارتباط برقرار کنیم و نوعی هم‌زبانی و هم‌دلی میان نظام‌های فکری در آموزه منجی‌گرایی را تصویر نمائیم و به روح مشترک این‌گونه تفکرات دست یابیم.

ای بسا هندی و ترک هم‌زبان

ای بسا دو ترک چون بیگانگان

پس، زبان هم‌دلی خود دیگر است

هم‌دلی از هم‌زبانی بهتر است

رامین (دانشیار دانشگاه قم)

---

۱. موریس کوروز، *فلسفه هایبکر*، محمد نوالی (تهران: حکمت، ۱۳۷۸)، ص ۲۶-۲۵.